



شرح اصول کافی

(جلد ششم)

(۲)

ائمہ بہ عنوان والیان امر و نہی خدا و

خزانه داران علم و خلقای او و اہل کائنات

مؤلف و صاحب امتیاز : شہربانو محلاتی

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
پیش‌گفتار.....	۱۵
مقدمه.....	۲۳
بخش اول: به ائمه علیهم‌السلام به عنوان والیان امر خدا و خزانه‌داران علم او و ایمانی او در زمین	
فصل اول: مجلی و مظاهر اسمای حسنی و صفات الهی بودن ائمه علیهم‌السلام	۳۵
مرآت از خزائن الله.....	۳۶
برتری ولایت ائمه علیهم‌السلام	۳۶
ائمه علیهم‌السلام مظاهر علم خدا.....	۳۷
فصل دوم: خزاین علوم الهی بودن ائمه علیهم‌السلام	۳۹
ریشه‌ی علم بودن ائمه علیهم‌السلام	۴۱
فصل سوم: مراتب مردم در حجت علوم ائمه علیهم‌السلام	۴۳
موروثی بودن علم ائمه علیهم‌السلام	۴۴
لدنی بودن علم ائمه علیهم‌السلام	۴۶
فصل چهارم: نور واحد بودن ائمه علیهم‌السلام	۴۸
فصل پنجم: کرامت ذاتی نبودن توانگری.....	۵۲
کمال نبودن ثروتمندی.....	۵۳
فصل ششم: ترجمان وحی بودن ائمه علیهم‌السلام	۵۵
حقیقت مفسر به رأی.....	۵۶
تفسیر قرآن به قرآن در حدیث رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم	۵۹
فصل هفتم: معصومین مرجع حل متشابهات قرآن.....	۶۱
حجت بالغه بودن ائمه علیهم‌السلام	۶۳

فصل هشتم: اتمام حجت خداوند بر اَشقیای اُمت پیامبر ﷺ	۶۵
نصّ پیامبر بر امامت و خلافت علی و سایر ائمه ﷺ در نصوص حلی	۶۶
فصل نهم: ذکر بعضی از نصوص صریح در خلافت علی ﷺ در کتب	
أهل سنت	۷۰
فصل دهم: نصوص خفی در امامت و خلافت علی بن ابی طالب ﷺ	۷۶
فصل یازدهم: اثبات امامت سایر ائمه و انحصار عدد آنها در	
أئمة عشر	۸۵
فصل دوازدهم: اخبار أهل سنت دال بر ذکر ائمه ای اثنی عشر	۸۹
فصل یازدهم: سر در حجج الهی بودن ائمه ﷺ در بین بندگان	
خدا	۹۵
بیان ولایت از زبان علی ﷺ	۹۸
فصل چهاردهم: منزلت ائمه ﷺ	۱۰۲
عنایت ربّانی و موهبت الهی	۱۰۳
فصل پانزدهم: سبیل معرفت و عبادت الله با معرفت و عبادت	
ائمه ﷺ	۱۰۸
قلب نوری أصل اصول در باب الأبواب	۱۱۱
سر شجره ی طوبی	۱۱۳
فصل شانزدهم: جامعیت جوهر ولایت برای أنوار عقاید و نفسی و	
حسّی	۱۱۴
انسان کامل مثال خدا در ذات و صفات و أفعال	۱۱۵
انسان مظهر و جانشین خدای تعالی	۱۱۶
فصل هفدهم: زبان حال بودن اسمای الهی	۱۲۰
اجتماع أسما در مرتبه ی «مسمّا» و ظهور احکام آنها	۱۲۱
ممکنات در حال عدمشان و چگونگی ظهور اعیانشان	۱۲۱

۱۲۴	میزان معلوم و حدّ مرسوم و امام معصوم علیه السلام
۱۲۵	تدبیرات حکمی و قوانین وضعی
۱۲۷	تدبیرات شرعی و قوانین الهی
۱۲۸	اصل وضع شریعت الهی در عالم
۱۲۹	خردمندان حقیقی و ستیزکنندگان و اهل کلام
۱۳۱	جامع جهات آسمانی و امانتی بودن ائمه علیهم السلام
۱۳۳	فصل هجدهم: توجه خلق به خداوند از طریق اوصیا به عنوان ابواب الهی
۱۳۸	فصل نوزدهم: ائمه علیهم السلام خلفای خداوند در زمین
۱۴۱	فصل بیستم: جاری بودن حقیقت محمدیه صلی الله علیه و آله در همه چیز
۱۴۶	بخش دوم: نر الله بودن ائمه علیهم السلام
	فصل اول: خارج شدن مردم از تاریکی حجاب‌های دنیایی به نور
۱۴۷	معارف اخروی توسط ائمه علیهم السلام
۱۴۹	وجوه قلب انسان و أقسام حجاب قلبی و سبب آن‌ها
	فصل دوم: تفاوت درجات مؤمنین و اولیا به حسب أعمال ظاهری و
۱۵۳	سلوک باطنی
۱۵۷	فصل سوم: دلیل بر خالی نبودن زمان از محبت خدا بر خلقش
۱۶۱	أمور مهم در خطبه‌ی علی علیه السلام
۱۶۳	فصل چهارم: انتشار حق در آسمان‌ها و زمین توسط ائمه علیهم السلام
۱۶۵	تجلی وجه خداوند در آینه‌ی قلب مؤمن
۱۶۵	کتاب مبین بودن انسان کامل
۱۶۸	فصل پنجم: ایمن بودن نیکان از فزع اکبر در روز قیامت
	فصل ششم: نزول نور خلافت و ولایت ائمه علیهم السلام همراه با نبوت
۱۷۱	پیامبر صلی الله علیه و آله
۱۷۵	فصل هفتم: اقتدای به ائمه علیهم السلام منشأ ایجاد نور معرفت

۱۷۷		اجزای معرفت و ثمرات هر کدام
۱۸۰		فصل هشتم: وحدت نور و وجود
۱۸۴		مشاهده‌ی نور اُحدی از پشت حجاب محمدی
۱۸۷		فصل نهم: تأویلات در آیه‌ی نور
۱۹۰		کشف اشراقی
۱۹۲		نکته‌ی عرشی
۱۹۶		فصل دهم: کاشفیت نور محمدی از حقایق اُشیاء
۱۹۸		تمثیل عرشی
۲۰۲		کتابخانه برای تحقیق مقال
۲۰۴		فصل یازدهم: مَعبُوت انسان کامل و عالم صغیر و مظهر اسم الله، جامع برای ملائکه و هی اُسما
۲۰۸		فصل دوازدهم: اشتغال اُسای خدای تعالی بر جمیع معانی و حقایق جوهری و عرضی
۲۰۹		نور جمعی و مظهر جامع الهی
۲۱۰		مراتب عالم انسانی و آسمای او
۲۱۲		فصل سیزدهم: کیفیت اشتغال علمی و عینی هر کدام از روح اعظم و انسان کامل بر جمیع ممکنات
۲۱۳		آیات ربّانی و أنوار رحمانی در آیینهی آدمی
۲۱۴		اقسام افعال خداوند و انسان
۲۱۶		فصل چهاردهم: حقیقت انسان از جهت مملکت و عالم خود و اجرای اوامرش
۲۱۸		أسرار لطیف در معرفت خدا و آیات عظیم او
۲۲۱		فصل پانزدهم: حکمت محمدی
۲۲۸		فصل شانزدهم: حضرت زهرا علیها السلام مراد از مشکات در قرآن
۲۳۴		فصل هفدهم: اقسام نور و حقیقت هر کدام

۲۳۵	 حکایت شگفت آور
۲۳۷	 لطیفه
	فصل هجدهم: اتمام ولایت و امامت ائمه علیهم السلام با قیام قائم آل
۲۳۹	 محمد صلی الله علیه و آله
۲۴۷	 بخش سوم: ارکان زمین بودن ائمه علیهم السلام
۲۴۸	 فصل اول: انحصار وجوب اطاعت در ائمه علیهم السلام
	فصل دوم: اختصاص اِکمال دین و اِتمام نعمت با نصب علی علیه السلام به
۲۵۳	 امامت در امت پیامبر صلی الله علیه و آله
۲۵۶	 فصل سوم: اطای فضایل رسول خدا صلی الله علیه و آله به ائمه علیهم السلام
	فصل چهارم: حرمت پیروی از ائمه‌ی گمراه و وجوب پیروی از ائمه‌ی
۲۶۰	 اطهار علیهم السلام
۲۶۱	 فلسفه‌ی تحریم اعتقاد بر امان
۲۶۲	 وجوب پیروی از ائمه علیهم السلام در نجات انسان از عذاب الهی
۲۶۳	 امامت ائمه‌ی هدی علیهم السلام بر تمام موجودات ذی روح
۲۶۵	 فصل پنجم: فضایل مشترک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علی علیه السلام
۲۶۸	 فصل ششم: رابطه‌ی حضرت علی علیه السلام با امت و پیامبر صلی الله علیه و آله
۲۷۱	 فصل هفتم: فضایل امیرالمؤمنین علی علیه السلام
۲۷۶	 فصل هشتم: رابطه‌ی فرشتگان با حضرت علی علیه السلام
۲۷۹	 فصل نهم: رابطه‌ی انبیا با حضرت علی علیه السلام
۲۸۲	 فصل دهم: فضایل اهل بیت علیهم السلام
۲۸۹	 فصل یازدهم: خصایص ولایت اهل بیت علیهم السلام
	فصل دوازدهم: آگاهی امامان علیهم السلام از اتفاقات جهان و پایه و
۲۹۱	 سرچشمه‌ی علوم آنها
۲۹۳	 سینه‌ی ائمه‌ی هدی علیهم السلام منبع آیات و بینات الهی

فصل سیزدهم: بعضی از علامات در ظهور مهدی علیه السلام ۲۹۸

مراد از دَابَّةُ الْأَرْضِ ۳۰۱

سبب رجعت نیکان و بدان در زمان حضرت قائم علیه السلام ۳۰۲

فصل چهاردهم: فضایل امام و صفات او ۳۰۶

فضایل امام علیه السلام ۳۱۵

صفات امام علیه السلام ۳۱۸

لایل قرآنی بر برتری علم امام علیه السلام نسبت به اهل زمان خود ۳۱۹

فصل پانزدهم: عظمت مقام ائمه علیهم السلام و وصیت پیامبر صلی الله علیه و آله به اولویت

آنان در وصیت ۳۲۱

کلام علی علیه السلام در مورد آل محمد علیهم السلام اهل بیت علیهم السلام ۳۲۱

کلام علی علیه السلام در مورد افراد در ردیف مقابل آل محمد علیهم السلام ۳۲۱

عظمت مقام الهی این همدان طهارت ۳۲۳

پاداش رسالت ۳۲۳

تأویل آیهی شریفه ﴿قُلْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا﴾ ۳۲۶

فصل شانزدهم: ائمه علیهم السلام ظرف علم و مرجع قوانین پیامبر صلی الله علیه و آله ۳۲۹

ائمه معصومین علیهم السلام نگاه‌دارندگان تعادل ۳۲۹

فصل هفدهم: کیفیت کشت و درو ردیف مقابل آل محمد علیهم السلام ۳۳۲

علت وجود فتنه در دوران زمامداری امیرالمؤمنین علیه السلام ۳۳۶

تعیین امام با نص الهی ۳۳۷

فصل هجدهم: حال و صفات ائمه علیهم السلام ۳۳۸

بخش چهارم: ائمه علیهم السلام و لاه الامر و محسودون و علامات و

آیات مذکور خدا در کتابش ۳۴۵

فصل اول: سخن ناحق اهل کتاب در مورد ائمه علیهم السلام و جزای آنان ۳۴۶

مراد از صاحبان امر ۳۴۸

مقصود از جبت و طاغوت ۳۴۹

فصل دوم: امکان اجتماع نبوت و امامت در آل محمد ﷺ	۳۵۳
اختصاص امامت به فرزندان هاشم قریش و عدم صلاحیت غیر قریش برای	
این مقام الهی	۳۵۳
ضرورت پیروی از امامان دوازده گانه	۳۵۳
شرایط رهبری	۳۵۴
تأثیر متقابل بدن و روح	۳۵۵
فصل سوم: سبب محسود واقع شدن ائمه ﷺ	۳۵۷
فصل چهارم: علامات معنوی بودن ائمه ﷺ برای رسیدن به	
معارج دنیا و آخرت	۳۶۱
فصل پنجم: ائمه ﷺ مقصود از آیات مذکور در کتاب خدا	۳۶۳
مقصود از نأذلیم	۳۶۴
فصل ششم: ائمه ﷺ مقصود از صادقان و وجوب همراهی با آنها	۳۶۷
فصل هفتم: حرمت پیروی از اهل بیت ﷺ	۳۷۱
آثار دوستی و دشمنی با اهل بیت ﷺ	۳۷۳
فصل هشتم: اتمام حجت پیامبر ﷺ بر اشیقای امتش	۳۷۵
شناسایی علی بن ابی طالب ﷺ نماینده رسالت های کلی	۳۷۶
فصل نهم: ویژگی های امام معصوم ﷺ	۳۸۲
فصل دهم: فضیلت های اهل بیت ﷺ	۳۸۸
خاندان عصمت ابواب جگم و روشن گران واقعیات	۳۸۹
تساوی اطاعت امام با اطاعت خدا و رسول ﷺ	۳۹۲
فصل یازدهم: تساوی ائمه ﷺ در فضایل	۳۹۳
دلایل روایی بر تساوی ائمه ﷺ در فضایل	۳۹۳
فصل دوازدهم: ائمه ﷺ مخزن علوم و اسرار الهی	۳۹۹
تحمل علوم ائمه ﷺ	۴۰۰

فصل سیزدهم: أدله‌ی روایی بر نجات دوست‌داران و پیروان ائمه‌ی

هدی علیهم‌السلام در زمان‌ها و مکان‌های مختلف ۴۰۲

فصل چهاردهم: أدله‌ی برآوردن لوح اسامی ائمه علیهم‌السلام توسط

جبرئیل برای پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم ۴۰۹

فصل پانزدهم: أدله‌ی بر مکتوب بودن اسامی ائمه علیهم‌السلام بر پایه‌ی

عرش عجل‌الله‌فرجه‌وآله‌وسلم ۴۱۶

فصل شانزدهم: تنها راه وصول به بهشت عدن و طریق حیات و

مرگ پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم ۴۲۱

ایرتد از ولایت ۴۲۲

ظهور رحمت علی‌علیه‌السلام در قیامت ۴۲۳

فضایل علمی و عملی اهل بیت علیهم‌السلام از لسان علی علیه‌السلام ۴۲۴

فصل هفدهم: علت عدم جدایی ائمه علیهم‌السلام از قرآن ۴۲۸

فضایل مردان الهی واجد منتهی الحوتی خلافت از لسان علی علیه‌السلام ۴۳۰

فصل هجدهم: أدله‌ی اولویت ائمه برای تبیین علوم و مفاهیم قرآن ۴۳۲

تجلی ویژه‌ی قرآن ۴۳۵

فصل نوزدهم: آثار و نتایج پذیرش ولایت ائمه علیهم‌السلام ۴۳۸

وسعت رحمت و کرامت ائمه علیهم‌السلام ۴۳۹

عدم منافات نفرین ائمه علیهم‌السلام در مورد بعضی از افراد با وجود وسعت رحمت

آن‌ها ۴۴۱

بخش پنجم: مراد از اهل ذکر و وجوب سؤال از ائمه علیهم‌السلام به عنوان

موصوفین به علم و راسخون در علم و وارثان کتاب و برگزیدگان ۴۴۳

فصل اول: ائمه علیهم‌السلام مقصود از اهل ذکر در قرآن ۴۴۵

حواله‌ی شریعت به استاد ۴۴۹

اقسام علم دین ۴۵۰

فصل دوم: ائمه علیهم السلام مقصود و مصداق بارز از توصیف شدگان به	
علم در قرآن	۴۵۹
فصل سوم: ائمه علیهم السلام مقصود از راسخون در علم	۴۶۲
مسائل مورد بحث در راسخون در علم	۴۶۴
فصل چهارم: ویژگی‌های راسخون در علم	۴۶۷
معیار شناخت راسخون در علم	۴۶۸
آگاهی عترت از اسرار قرآن کریم	۴۶۹
وایی‌های دعای راسخون در علم	۴۷۰
فصل پنجم: مراد از متشابهات قرآن	۴۷۶
فصل ششم: مقصود از توصیف راسخون در علم به ایمان	۴۷۹
معصومین علیهم السلام مرجع حل متشابهات قرآن	۴۸۰
فصل هفتم: ائمه علیهم السلام و شوم آن در سینهی ائمه علیهم السلام	۴۸۳
مقصود از آیات بینات در سینهی ائمه علیهم السلام	۴۸۵
فصل هشتم: واگذار کردن تورات کتاب به اهل اصطفا و برگزیده	۴۹۰
مقصود از اهل اصطفا	۴۹۱
مقصود از استناشدگان از ذریه‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله	۴۹۴
فصل نهم: فرق بین عترت و امت	۴۹۸
آیات دال بر برگزیدگان ائمه علیهم السلام در قرآن	۵۰۲
فصل دهم: خاموشی و نطق قرآن	۵۰۶
نطق قرآن و جهان در نهج البلاغه	۵۱۹
قرآن مرجع حل اختلافات	۵۲۰
نطق قرآن برای معصومان	۵۲۱
نطق قرآن درباره‌ی مراد خود	۵۲۱
فصل یازدهم: حشر هر کدام از اصحاب ائمه‌ی هدایت و ضلالت با	
امامشان در روز قیامت	۵۲۴

فصل دوازدهم: مظهریت هر کدام از دو فرقه‌ی مؤمنین و کفار برای	
دو صفت قهر و مهر خدای تعالی.....	۵۲۸
ویژگی‌های امام بر حق.....	۵۲۹
فصل سیزدهم: آشکار شدن لطف و قهر خدا بر ترکیب دو عالم خلق	
و امر.....	۵۳۵
علاقه‌ی عقلی و ملازمه‌ی ذاتی بین کفر و طاعت شیطان.....	۵۳۷
فصل چهاردهم: هدایت قرآن به سوی امام.....	۵۴۰
فصل پانزدهم: کیفیت نزول بنده در بستان بهشت.....	۵۴۶
فصل شانزدهم: سهولت تمیز بین وسوسه‌ها و لمات برای اُمت	
محمد ﷺ.....	۵۴۹
فصل هفدهم: اُنس ﷺ مقصود از نعمت مذکور در قرآن.....	۵۵۲
علت سکوت و کناره‌گیری علی ﷺ از خلافت.....	۵۵۴
فصل هجدهم: علی ﷺ سزاوارترین فرد برای خلافت.....	۵۵۶
اُئمه ﷺ راهنمایان الهی.....	۵۵۹
فصل نوزدهم: ویژگی‌های صیادان جوامع و انسان‌ها.....	۵۶۰
فصل بیستم: ویژگی‌های راهنمای هدایت، علی ﷺ.....	۵۶۶
فصل بیست و یکم: ولایت، بزرگ‌ترین نعمت خدا بر خلق.....	۵۷۲
فهرست منابع.....	۵۷۸

پیشگفتار

بعد از اتمام کتاب دو جلدی «شرح و ترجمه‌ی شواهد ربوبیه در مناہج سلوکیہ» از خداوند منان خواستار شدم، که تکلیف و وظیفه‌ی بعدی مرا در جهت خدمت به دین و مسلمین مشخص نماید و به نوشتن کتاب دیگر هدایت شوم، بعد از این درخواست به سمت کتابخانه رفتم و تصمیم گرفتم کتاب‌های دیگر صدرالمتألهین را ترجمه نمایم تا دسترسی طالبین آن به مطالب کتاب‌هایش آسان‌تر گردد، به همین جهت کتاب‌های: ایقاظ النائمین، کسرالأصنام الجاهلیة، مظاهرالالهیة فی أسرار علوم الکمالیة، حدوث عالم، و پنج جلد شرح اصول کافی ایشان را که اصل کتاب‌های: عقل و علم و توحید (دو جلد) و حجت بود ترجمه کردم، در ترجمه‌ی کتاب حجت متوجه شدم که فقط بخش کمی از این کتاب را شرح و ترجمه کرده‌اند و با فرا رسیدن مرگ ایشان موفق به اتمام این کتاب و مباحث بعدی اصول کافی نمی‌شوند، بعد از اتمام ترجمه همین قسمت از کتاب حجت، راضی به خاتمه دادن به این هدف نشدم؛ زیرا آن‌چنان شیفتگی مباحث اصول کافی گشتم، که با وجود بضاعت علمی و ناتوانی، در قلب خود هواره احساس می‌کردم که وظیفه‌ی اتمام این هدف خطیر را به عهده دارم، از طرف دیگر در انجام آن تردید می‌نمودم و ترس از این داشتم که نتوانم این وظیفه مهم را به نحو احسن انجام دهم، بالأخره بعد از مدتی با خود گفتم: با استعانت از خدای قیوم و توکل به او و توسل به ائمه علیهم‌السلام این کار را انجام می‌دهم و امیدوار بودم که عنایت خدای تعالی و توجّه اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام شامل حال بنده‌ی حقیر شود، هم‌چنان که در تمام دوران تحصیلی و نوشتن کتاب‌های قبلی شامل حالم شده بود، همین‌طور هم شد و وقتی شروع به شرح و ترجمه‌ی ادامه کتاب کردم دائماً از خداوند و اهل بیت خواستار این بودم که فکر و قلم بنده را هدایت نمایند تا مطالبی که می‌نویسم مرضی خودشان باشد و خوشبختانه این خواسته اجابت شد و با تلاش شبانه‌روزی خود با لطف حق تعالی به اتمام شرح این کتاب موفق گشتم و آرزوی دیرینه‌ی من برآورده شد؛ برای این که سال‌ها بود که در فکر نوشتن کتابی در جهت خصایص و مناقب و فضایل اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام، و مقام و جایگاه

علمی و معنوی ایشان بودم و شرح این کتاب مرا به خواسته‌ام رسانید و خداوند منان را بسیار سپاسگزارم از این که بنده‌ی حقیر و ناچیز خود را لایق و سزاوار چنین اثر بالارزش و گرانبهایی دانست، امیدوارم توانسته باشم وظیفه‌ی خود را در حدّ ظرفیت و توان خود نسبت به خاندان عصمت و طهارت ائمه‌ی معصومین ادا کرده باشم و این اثر مورد قبول آنان قرار گرفته باشد و هم‌چنان مورد عنایت و توجّه آن‌ها قرار گیرم و به این بنده حقیر توفیق دهند که در راستای شرح و ترجمه‌ی دو جلد دیگر اصول کافی قدم بردارم و آن‌ها را نیز شرح و ترجمه کنم تا موفق به تکمیل یک دوره‌ی کامل اصول کافی گردم و آن‌ها را به جامع‌ی اسلامی عرضه نمایم. «انشاءالله من الله التوفیق»

اینک به بیان سبب تصویب از مباحث این کتاب می‌پردازم تا خوانندگان عزیز در جریان مطالب آن قرار گیرند. مباحث مطرح شده در کتاب «الحجّه» اصول کافی در جهت بیان فضیلت و مقام اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام بوده و آنان را به عنوان مظاهر ائمه‌ی الهی و خلفا و خزاین او معرفی می‌کنند. این که آن‌ها دارای علم لدنی و ترجمان وحی بوده و نورالله، کتاب مبین، نور جمیع، مظهر جامع الهی، ارکان زمین، راهنمایان الهی، سزاوارترین فرد برای خلافت، مرجع سنن و تأییدات قرآن و حجّت بالغه‌ی حضرت حق می‌باشند، و نصوص فراوانی به‌طور صریح و خفی در خلافت و ولایت علی علیه‌السلام و اثبات امامت ائمه‌ی معصومین علیهم‌السلام در کتاب و سنت وارد شده و منزلت ائمه علیهم‌السلام عنایت ربّانی و موهبت الهی می‌باشد، و آنان انسان کامل و کامل خداوند در ذات و صفات و افعال، و زبان حال اسمای الهی هستند، و توجّه خلق به خداوند را در طریق اوصیا علیهم‌السلام به عنوان ابواب الهی است و حقیقت محمدیه صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در همه چیز جریان دارد، و مردم به نور معارف اخروی توسط ائمه علیهم‌السلام از تاریکی حجاب‌های دنیایی خارج می‌شوند، و زمین هیچ‌وقت از حجّت خدا بر خلقش خالی نیست، و تفاوت درجات مؤمنین و اولیا به حسب اعمال ظاهری و سلوک باطنی آن‌ها می‌باشد.

حق در آسمان‌ها و زمین توسط ائمه علیهم‌السلام انتشار یافته و در آینه‌ی قلب آن‌ها تجلّی نموده و نیکان توسط آن‌ها از قزع اکبر در روز قیامت ایمن هستند، و رحمت علی علیه‌السلام و سایر ائمه علیهم‌السلام در قیامت ظاهر می‌شود، و نور خلافت و ولایت ائمه علیهم‌السلام همراه با نبوت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نزول کرده و اقتدای به ائمه علیهم‌السلام منشأ ایجاد نور معرفت بوده و نور احدی از

پشت حجاب محمدی ﷺ مشاهده می‌شود، و نور محمدی ﷺ از حقایق اشیا کاشفیت دارد. ماهیت انسان کامل و عالم صغیر و مظهر اسم الله، جامع برای مظاهر همه‌ی أسما است، و اسمای خدای تعالی مشتمل بر جمیع معانی و حقایق جوهری و عرضی می‌باشد، و هر کدام از روح اعظم و انسان کامل مشتمل بر جمیع ممکنات بوده و آیات ربانی و أنوار رحمانی در آئینه‌ی انسان کامل تجلی نموده است.

با قیام قائم آل محمد ﷺ ولایت و امامت ائمه ﷺ به اتمام رسیده، و وجوب اطاعت منحصر در ائمه ﷺ می‌باشد و اكمال دین و اتمام نعمت به نصب علی ﷺ به امامت در امت پیامبر ﷺ اختصاص دارد، و فضایل رسول خدا ﷺ به ائمه ﷺ اعطا گشته و پیروی از ائمه ﷺ ضلال حرام شده، و پیروی از ائمه‌ی اطهار ﷺ واجب گشته؛ زیرا تنها راه نجات انسان از عذاب الهی می‌باشد، و امامت ائمه‌ی هدی ﷺ بر تمام موجودات صاحب روح است.

سینه‌ی ائمه‌ی هدی ﷺ منبع آفت و بینات الهی بوده و از تمامی اتفاقات جهان آگاهی داشته و به سرچشمه‌ی علم اتعالی می‌ارزند.

در این کتاب به فضایل و صفات امام و برتری علم امام نسبت به اهل زمان خود، و عظمت مقام ائمه ﷺ، و وصیت پیامبر ﷺ به ولایت آنان و وراثت رهبری آل محمد ﷺ، اهل بیت عصمت و طهارت ﷺ اشاره گشته، و هدایت آن‌ها به عنوان اجر و پاداش رسالت پیامبر ﷺ شناخته شده است.

ائمه ﷺ ظرف علم و مرجع قوانین پیامبر ﷺ و نگه‌دارندگان مبادل دین می‌باشند، و ولایه و صاحبان امر و محسودون، آیات مذکور خدا در کتابش، صاف و صریح و بلامات معنوی برای رسیدن به مصالح دنیا و آخرت هستند.

پیامبر ﷺ بر اشقیای امتش اتمام حجت کرده و به آثار دوستی با اهل بیت ﷺ و نتایج پذیرش ولایت آن‌ها اشاره فرموده است.

خاندان عصمت و طهارت ﷺ ابواب حکمت‌ها و روشن‌گران واقعیات می‌باشند، و اطاعت امام با اطاعت خدا و رسولش مساوی است، و فضایل رسول خدا ﷺ به ائمه ﷺ اعطا گشته و ائمه ﷺ مخزن علوم و اسرار الهی هستند.

اسامی ائمه ﷺ در لوحی نوشته شده توسط جبرئیل برای پیامبر ﷺ آمد و خداوند بر

تک تک آن‌ها تصریح فرموده و تمامی این آسامی بر پایه‌ی عرش مکتوب است، و ائمه‌ی معصومین علیهم‌السلام همیشه همراه با قرآن و مفسران آن هستند و از آن جدا نمی‌شوند، و آنان برای تبیین علوم و مفاهیم قرآن اولویت دارند و قرآن ناطق و تجلی آن هستند، و مراد از اهل‌الذکر ائمه علیهم‌السلام می‌باشند، که موصوفین به علم، راسخون در علم، وارثان کتاب و برگزیدگان خدا هستند.

و هرکدام از اصحاب ائمه‌ی هدایت و ضلالت در روز قیامت با امامشان محشور می‌شوند و هرکدام از دو فرقه‌ی مؤمنین و کفار مظهر دو صفت قهر و مهر خدای تعالی هستند نه الف و قهر خدا بر ترکیب دو عالم خلق و امر آشکار گشته، و علاقه‌ی عقلی و ملازمه‌ی ذاتی بین کفر و طاعت شیطان وجود دارد.

هدایت قرآن به سبب امام بوده و مقصود از نعمت مذکور در قرآن، ائمه علیهم‌السلام هستند و ولایت، بزرگ‌ترین نعمت خدا بر خلق است، ائمه علیهم‌السلام برپادارندگان راه حق می‌باشند و اعمال بندگان خدا در هر روز بر این‌ها عرضه می‌شود.

ائمه علیهم‌السلام وارثان علم پیامبر و جمیع انبیاء و اوصیای قبل از خود هستند، و علم هر چیزی در نزد ائمه بوده و ولایت و امامت از تضمین‌کننده‌ی اصل دین است، و تمام صحف ابراهیم علیه‌السلام و ألواح نازل شده‌ی بر موسی علیه‌السلام در نزد ائمه علیهم‌السلام وجود دارد، و آن‌ها نسبت به همه‌ی پیامبران أعلم هستند و در این علمی بر آنان داشته و بر جمیع کتاب‌های آسمانی إحاطه‌ی علمی دارند، و جمع‌آوری تمام قرآن توسط ائمه علیهم‌السلام بوده و به جمیع آن علم دارند، و به تمام اهداف رحمانی و مقاصد الهی در قرآن آشنا می‌باشند، و اعتصام به قرآن و عترت تنها راه هدایت است، و اسم اعظم و آیات و آثار پیامبران و همه‌ی امور و شؤون به ائمه علیهم‌السلام إعطا شده است.

سلاح و متاع پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و جفر و جامعه و مصحف نزد اهل‌بیت عصمت علیهم‌السلام بوده و همین علامت و نشانه ولایت و خلافت آن‌ها و اثبات صداقت مدّعی آن‌ها، و کذب مدّعیان دروغین ولایت از اهل‌بیت علیهم‌السلام است، و علامت عدم حق امامت در اولاد امام حسن علیه‌السلام و مطلع نبودن آن‌ها از این کتاب‌ها می‌باشد.

بعد از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم شب قدر و ولایت در ائمه علیهم‌السلام استمرار داشته و در شب قدر تفصیل امور بر امام زمان هر عصر نازل شده و علم به غیب داشته و حدیث را از طریق

غیب و إلهام دریافت می‌کنند، دیدن ملائکه در دنیا بعد از پیامبر ﷺ به ائمه ﷺ اختصاص دارد، و ائمه ﷺ از سود و زیان صحابه خبر می‌دهند.

حق تعیین امام منحصر به خدای تعالی بوده و ائمه ﷺ مؤید به روح القدس هستند، و همه‌ی آنان در علم و شجاعت و وجوب اطاعت مساوی می‌باشند، و هر امامی نسبت به امام بعد از خود معرفت دارد، و عهد امامت نسبت به هر یک از ائمه ﷺ از طرف خداوند اعلام می‌شود، و أفعال ائمه ﷺ منحصر به فرمان خدا بوده و از آن تجاوز نمی‌کند.

امام ﷺ دارای مقام عصمت بوده و بر جمیع افراد اُمت در جمیع کمالات و فضایل نفسانی فضیلت و برتری دارد و دارای معجزه و کرامت می‌باشد.

در این کتاب به علل انحصار عدد ائمه ﷺ در دوازده نفر، و نکات در غیبت امام عصر، سبب، أصرار، نسفه و مصالح آن اشاره شده و خصوصیات پیروان پیشوایان بر حق و تجات یافتگان در آخر الزمان بیان گشته، و نیز به علت و فایده‌ی تولد امام زمان ﷺ قرن‌ها قبل از ظهور و علت امتداد غلبه صغری تا غیبت کبری، و غیبت و فرج انبیای گذشته به عنوان مؤید غیبت و فرج امام زمان ﷺ در اُمت آخر الزمان اشاره شده است.

و همچنین نشانه‌های حق و هدایت در ائمه، معجزه و کرامت امام برای اثبات امامت او بیان گشته، و این که پیروی از ائمه‌ی اطهار بها راه رسیدن به مقام شامخ ربّانی است، و عاملین شکاف در تشیع و انواع قیام و اختلاف در بین مسلمین ذکر گشته، و وجوه امتیاز دعوی حق‌گو از باطل‌جو در امر امامت مشخص شده است.

به امتحان و فتنه‌های آخر الزمان و کراهت تعیین وقت نسبت به ظهور امام عصر ﷺ اشاره گشته، این که هدف اسلام، پرورش شیعه با آرزوهای بلند الهی جهت آمادگی برای ظهور مهدی ﷺ و تشکیل حکومت واحد جهانی است، درحالی که مسلمین از تحوّل تکاملی به وجود آمده‌ی توسط پیامبر منحرف گشتند و اُمت پیامبر به فتنه مبتلا شدند تا راست‌گو از دورغ‌گو آشکار گردد.

به مباحثی نظیر: شیوه‌ی پرهیز از فتنه، نقش و انواع فتنه‌ها و آشوب‌ها در حیات انسان در سرتاسر تاریخ، عوامل بروز فتنه‌ها، و فتنه‌ی موجود در دوران زمامداری امیرالمؤمنین ﷺ، و عناصر اساسی فتنه از دیدگاه قرآن، و هدف و حکمت آزمایش و ارکان آن، و عبرت‌آموزی از ماجرای إبلیس و هشدار به دشمنی‌های او، و دوری از تکبر و أخلاق

جاهلی، و پرهیز از سران متکبر و عبرت از آنان و نحوه‌ی آزمون مستکبران و عبرت گرفتن از پیشینیان اشاره شده است.

مباحث دیگر که مورد بحث قرار گرفته عبارتند از: علل و اقسام دردهای بشری و راه درمان آن، و تمسک به امام علیه السلام در رویارویی با فتنه‌ها می‌باشد، این‌که در آخرالزمان آزمون‌های سخت انجام می‌شود، و به حکم عارفین و منکرین امامت ائمه علیهم السلام و علامات شناخت امام معصوم اشاره گشته و بیان شده، که به عارف به امام خود در صورت تقدّم و تأخّر امر ظهور، زبانی نخواهد رسید، و حکم مدعیان دروغین ائمت ذکر شده و دلایل عدم وائذاری نصب امام به ائمت نیز بیان گشته است.

به حکم منکرین همه‌ی امامان بر حق یا برخی از آنان، و حکم مثبتین امامت برای ناهل و پیروی آن‌ها و حال دین‌داران بدون امام، و حکم مرگ شخص بدون رهبر و پیشوای ائمه‌ی هدی علیهم السلام اشاره شده است.

غسل امام به امام منحصر می‌باشد و ائمه علیهم السلام در حال تولّد نشانه‌هایی دارند، فرشتگان بر ائمه وارد می‌گردند بر آن‌ها قدم گذاشته و اخباری را برای آنان می‌آورند، جنیان نیز بر آن‌ها وارد شده و با این‌که این خود را از آنان می‌گیرند و ائمه علیهم السلام به امور آن‌ها رسیدگی می‌کنند؛ زیرا پیامبر صلی الله علیه و آله بر تمام جن و انس مبعوث گشته و ایمان جنیان توسط علی علیه السلام بوده، و برای ائمه علیهم السلام است کارانه از جن می‌باشد، که آن‌ها را برای انجام کارهای مهم و فوری می‌فرستند، قضاوت ائمه علیهم السلام نسبت به جامعه‌ی بشری به حکم داود علیه السلام و خاندان او بوده و به مباحثی در این زمینه پرداخته شده است.

پیامبر صلی الله علیه و آله درباره‌ی خیراندیشی نسبت به ائمه علیهم السلام و ملازمت با جمعیّت آنان فرمان داده، و به حقوق واجب امام بر رعیت و حق واجب رعیت بر امام صلی الله علیه و آله، مسئولیت عمومی زمامدار و پیشوای جامعه نسبت به افراد اشاره شده است.

به مباحثی در رابطه با اختصاص لقب أميرالمؤمنین به علی علیه السلام و منشأ آن پرداخته شده و مقصود از خویشان رسول الله صلی الله علیه و آله و فرقه‌ی نجات دهنده و محکّمات قرآن و مؤمنان به قرآن ذکر شده، این‌که ایمان و هدایت و انذار و قبول توبه و گذشت از صراط آخرت توسط ائمه علیهم السلام است، و ورود در ولایت ائمه علیهم السلام منشأ ورود در اسلام و زندگی جاویدان سرای دیگر بوده و به عاقبت پیروان و مخالفان ائمه علیهم السلام پرداخته شده است، و

نیز به توطئه منافقان و کفار برای غصب ولایت ائمه علیهم السلام بعد از پیامبر، و انکار منکران و عاقبت آن‌ها اشاره شده، این که رهایی از آتش جهنم و زینت به زیور تصدیق و ورود در خانه محمد صلی الله علیه و آله با پذیرش و ولایت ائمه علیهم السلام است، و ولایت و پیروی از ائمه علیهم السلام متضمن هر طاعت و ترک هر حرامی می‌باشد.

به تغییر و تبدیل کلمات قرآنی و آیات وحیانی در شأن ائمه معصومین علیهم السلام، و کیفیت عذاب منکرین ولایت ائمه علیهم السلام در دنیا و آخرت، و عدم امکان خاموش کردن نور خدا و اتمام آن توسط خدای تعالی، و عاقبت تکذیب کنندگان ولایت ائمه علیهم السلام اشاره شده است. در عالم ذر از ملائکه و فرزندان بنی آدم بر ولایت ائمه علیهم السلام اقرار گرفته شده، و ائمه علیهم السلام نسبت به دوستان و پیروان خود در عالم ذر معرفت دارند، و مقصود از خلقت ارواح قبل از ابدان که در احادیث مذکور شده و اهمیت تشیع و صفات شیعه ذکر گشته است. تولد پیامبر صلی الله علیه و آله و نحوه حدیث ائمه علیهم السلام و طینت و ارواح آن‌ها، و گواه بودن ائمه علیهم السلام بر آفرینش مخلوقات و معجزات پیامبر صلی الله علیه و آله و معراج جسمانی آن حضرت، شبهات منکرین معراج و اخبار آن بیان شده است. در ضمن به فضایل ابوطالب و ایمن او، و فضایل عبدالمطلب و اقدام او در رابطه با اصحاب قبل اشاره شده است.

ویژگی‌های پیامبر صلی الله علیه و آله از زبان امیرالمؤمنین علیه السلام ذکر شده و این که خداوند در وفات پیامبر صلی الله علیه و آله نامه‌ی تعزیت فرستاد، و کیفیت تجهیز پیامبر صلی الله علیه و آله بیان شده و از سرکشی بر قبر پیامبر صلی الله علیه و آله نهی گشته است.

بعد از آن به ولادت و وفات تک تک ائمه‌ی معصومین علیهم السلام اشاره شده و در پایان به مسأله خمس و اختصاص آن به اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام و وارد رجوع خمس و اصناف و مباحث موجود در آن پرداخته شده است.

امیدوارم با خواندن این مباحث به شأن و مقام ائمه‌ی معصومین علیهم السلام بیش از پیش واقف و آشنا شویم و در مقابل عظمت وجودی آن‌ها سر تعظیم فرود آورده و هم‌چنان محوریت ولایت آنان در جامعه‌ی اسلامی، خصوصاً شیعیان مطرح بوده و تمام توجه ما به اقوال و افعال و آثار آنان باشد، و با تأسی به آن‌ها مسیر کمال را طی نماییم و از جاذبه‌ی حق و حقیقت منحرف نشویم و با جایگزین کردن پیشوایان گمراه در جهت باطل قرار

نگیریم؛ زیرا در طول تاریخ اسلام، تجربه نشان داده هرگاه خلفا و پیشوایانی غیر از اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در این جایگاه قرار گرفتند بشریت به سمت اختلاف و تشتت رفته و در جامعه‌ی اسلامی شکاف عظیم ایجاد گشته و جامعه‌ی بشری به انحطاط و سقوط و فساد اخلاقی و اقتصادی و اجتماعی کشیده شده است، از خداوند متعال خواستاریم که حتی لحظه‌ای ما را از باب ولایت اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام جدا نگرداند، و ما را با عشق و معرفت آنان زنده بدارد و بمیراند، و در دنیا و آخرت ما را از شیعیان حقیقی و دوست‌داران واقعی آن‌ها قرار دهد و با تأسی به آن بزرگواران، وصول به سعادت حقیقی و تقرب به حق تعالی و ورود در بندگان خدا و جنت عدن را نصیب ما بگرداند. «امین رب العالمین»

مقدمه

حمد برای خدا که علم و قدرت خود را به صورت کتاب الهی نازل کرد، کتابی که به سوی نور هدایت می‌کند و روزی آسمانی است، که در آن غذای برای ارواح و شفای سینه‌ها، و نجات برای عقول از بیماری‌های جهالات بوده، رنده کننده‌ی نفوس خوابیده در قبرها، و آگاه کننده‌ی غافلین از لقای خدا در روز قیامت می‌باشد. در آن، روزی مقدر میسور برای اهل هدایت ربانی است، و برای اصحاب محبت الهی حظ بهرانی فراوان و نیکو می‌باشد. منزّه است خداوندی که با الهیت خود وجود جواهر قادسی را ایجاد کرد، و با حکمتش صورت‌های حقایق ماهیات را با نیکوترین وجه ایجاد نمود، و در جناب‌های جبروت و کمینگاه‌های ملکوت مستور و پوشیده گشت، سپس از مکنونات علم و قدرت خود، کشف نمود، و زیباترین اشیا را در قضای سابق اولی خود آشکار، و بعد تفصیل و تقدیر کرد، و مفردات وجود، و مبسوطات و مرکبات و محسوسات آن‌ها را در دفاتر استعدادات آن‌ها و سجلات دورات زمان‌ها و اوقاتشان، و الواح ارقام تشکلات و هیئات آن‌ها إنشاء نمود بر وفق آنچه با یمین خود در رقم اول و قضای اجمالی از کتاب مبین خود و لوح محفوظ از تماس شیاطین و پنهان از حواس و دیدگان، نوشته و تصویر نمود، که کتاب مبین به حسب آنچه خداوند در آن به ودیعه گذاشته مشتمل بر حقایق دو عالم، اسرار دو نشأه، و

خلاصه‌ی آن‌چه در ملک و ملکوت بوده و برگزیده‌ی آن چیزی می‌باشد، که در عالم جبروت است، کتابی که آن را غیر از مطهّرون از چرک و پلیدی‌های وسوس و اوهام، افکار متعلّق به عوارض این اجسام، و هیئات عالم ظلمانی و تاریک لمس نمی‌کنند.

بنابراین حروف کائنات را بر صفحات قابلیت با مداد هیولی نوشت و قبل از وجود آنفس و آفاق، بر نفس خود رحمت را مرقوم فرمود، و با خطاب «کن» کسی را که نبود در مرتبه‌ی ذاتش مخاطب قرار داد و حروف و ارقام عقلی را ایجاد کرد، و از آن حروف، معانی کلمات الهی روحانی و کلمات ابداعی را قائم به ذواتشان بدون ماده و موضوع افاده نمود، نه آن کلمات به مانند علوم در سینه نیست، که قائم به نفس باشد، و مانند ارقام پراکنده‌ی بر روی کاغذ نیست، بلکه ذوات آن کلمات، علوم ابداعی و حقایق انوار عقلی است، کلماتی که نه متن، آن‌ها تمامی ندارد، حتّی اگر دریا قبل از اتمام آن کلمات تمام شود، و از آن کلمات صورت مرکّب سه‌گانه (جماد و نبات و حیوان) را به هنگام اعتدال مزاج مفردات خلق نمود و تنفس کرد، و با تصفیه از لباب و مغز آن‌ها، پوسته و قشر ساقط گشت و با پاک شدن، ناصافی و بیرنگی خارج گشت، و صاف شدند.

سپس از بین آن مرکّبات، اشرف انواع، بمره‌ی صنّع و ابداع را به کرامت خلافت الهی و تعلیم همه‌ی اسما اختصاص داد، و او را موجودی سلاطین خدا به جهت تشریف و تعظیم قرار داد و با جنود حسّی خود، همه‌ی آن‌چه را که در زمین بوده برای او مسخّر کرد تا اسباب سلطنت صغری برای او جمع شود، سپس او را با شرفی تأیید نمود، که دیده نمی‌شوند و با این جنود عقلی، جمیع آن‌چه را که در عالم ملکوت و ملکوت بوده برای او مسخّر نمود، چنان که فرمود: ﴿وَسَخَّرَ لَكُم مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ﴾.

آن‌چه در آسمان‌ها و زمین است مسخّر او کرد تا اسباب سلطنت کبری برای او کامل گردد، درحقیقت خداوند این خلافت را از بین انبیاء و اولیای خود برای کسی که او را برگزیده و از او راضی گشته، خصوصاً سید کلّ در کلّ و مقتدای انبیاء و رسولان، محمّد و آل او علیهم‌السلام، اهالی خانه‌های وحی و تنزیل، و ائمّه‌ی علم قرآن و تأویل میسر و ممکن

نمود، کسانی که خداوند سینه‌هایشان را برای اسلام گسترده نمود و آنان را نور پروردگارشان و لسان صدق در آخرین، و ابتغاء رضای خود و نعمت جمال و جلالش قرار داد و به صراط حق و یقین هدایت نمود، و آن کلمه‌ی جامع الهی هستند که جوامع کلمات به آن‌ها داده شده و نور ربّانی می‌باشند که در آن‌ها مجامع حکم است.

سلام و درود بر بهترین کسی که قرآن بر او نازل گشته، و از جانب پروردگارش حکمت و فصل الخطاب به او داده شد، کسی که برزخ جامع بین وجوب و امکان، و ثمره‌ی حاصل از وجود افلاک و ارکان است، سید و آیینی دو عالم محمد ﷺ و آل معصومین او علیهم السلام که از میراث نبوت و ولایت با بهره‌ی فراوان و قدح معلی به فوز و رستگاری رسیدند، و نسخه‌ی وجود آنان را رسیله‌ی نجات خلق از عالم جهل و ظلمات قرار داد.

اما بعد: ای عزیزان بدان! سالکین به‌سوی خدا با قدم‌های عبودی و عرفان، مشتاقان به‌سوی معرفت ذات حق و افعال او، و کیفیت بعثت رسولان و وحی به آن‌ها از طریق انزال و ارسال، و تأمل کنندگان در اسرار مبده و احوال قیامت، و تدبیر کنندگان در خلقت آسمان و زمین با دقت افکار و انداز، و متفکرین در عجایب صنع خدا با تدبیر و اعتبار به زبان حال و قال می‌گویند: ﴿رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ﴾، پروردگارا! این‌ها را عبث و باطل نیافرید، منزهی تو، ما را از عذاب آتش حفظ فرما، و به آن‌ها و احوالشان بر طریق بصیرت نشان آورده، و دوست‌دار همه‌ی آن‌ها بوده و در طلب حق، استکبار و استنکار ندارند.

وقتی انسان به مرحله برائت از غیر خدا رسید از نفس خود می‌میرد، و نفس او آیینی تجلی حق گشته و در آن، سر ملکوت منعکس می‌شود و قدس لاهوت بر آن إفاضه می‌گردد، و از غیر خدا و نفس و هوای خود می‌میرد و به‌سوی پروردگارش محشور گشته و باقی به بقای او، متسرمد به سرمدیت او می‌شود، و حکم او نافذ گشته و دعایش برحسب تابعیت و مقام رضا مستجاب می‌شود و به کرامت تکوین و ایجاد تکرّم دست می‌یابد، چنان که قرآن می‌فرماید: ﴿وَلَكُمْ فِيهَا مَا تَشْتَهُی أَنْفُسُكُمْ وَلَكُمْ فِيهَا مَا

تَدْعُونَ^۱، برای شما در بهشت جاوید هرچه اشتها داشته و مایل باشید، یا آرزو و تقاضا کنید، مهیا و آماده می‌باشد.

بدانید! انسان اشرف موجودات است؛ زیرا از ابتدای وجودش در حدود سیفالت و نقصان می‌باشد، به جهت این که مانند سایر انواع حیوان، از طبایع عناصر و ارکان حاصل گشته و آن‌ها نسبت به سایر جواهر و اعیان در مراتب پایین هستند، غیر از این که در ذات انسان، قوه‌ی ترقی به حد کمال و ارتقای به انوار مبدء متعال و مهیم فثال وجود دارد تا از شر و وبال خلاسی. رهایی یابد، و یکی از سکّان عالم نور گشته و به نعمت‌های آخرت و سرور متنعم گردد، به همین جهت در عنایت الهی، إهمال انسان در مراتع شهوات (مانند کرم‌ها و حشرات) بدون هدایت و تعطیل او از آن چه به خاطر آن خلق شده و رها کردن او جایز نیست، بنابراین معلوم می‌شود، که برای هر چیزی کمال مخصوص به او می‌باشد که برای آن خلق شده، و کمال انسان به ادراک مقامات الهی و رسیدن به معارف کلی عقلی همراه با تجرد از محسوسات مادی، و زهد و پست دنیوی، و رهایی از إسارت انگیزه‌ها و دواعی نفسانی، و آزاد شدن از قیود سهوی، غریبی می‌باشد، که این امور جز با هدایت و تعلیم و تهذیب، و پایداری و ثبات میسر و ممکن نمی‌باشد، به همین جهت خدای عزّ و جلّ رسول هدایت‌گر و معلّم بشر را مبعوث کرد، و کتاب و حکم الهی به سوی ما نازل نمود، که در آن جوامع علوم الهی و اسرار ربّانی، و سنن و آداب علمی و احکام سیاسی وجود دارد، و آن را برحسب مصالح و اوقات در آیات معین نازل نمود، و بصورت سوره‌ها و آیات قرار داد، و هر سوره‌ای از سوره‌های آن، دریایی مملوّ از جواهر معانی و بیان است، بلکه هر سوره‌ای فلک پر از کواکب و حقایق و اعیان می‌باشد و هر آیه‌ای از آیات، صدفی است که در آن، دُرّهای بالارزش و گران قیمت پنهان گشته، که هر کدام از آن دُرّها، روح انسان بوده، بلکه درّی است که در آسمان نبوّت و ولایت و عرفان تالّلاً و درخشش دارد و از لمعان آن، نور هدایت و حیات ایمان برانگیخته می‌شود، و قرآن نازل بر پیامبر ﷺ برائت بنده از عذاب گناهان بوده و اقتدای به مضامین آن، صراط الله العزیز الحمید است، إهدای به هدایت او راه وصول به جناب مجید او می‌باشد.

ای انسان! چشم بصیرت خود را با نور معارف قرآن باز کن، و اولیت مبدء رحمان را به آخریت رسول انس و جن مشاهده کن و بدان! باری تعالی وحدانی الذات در اول الاولین است، و خلیفه‌ی خدا فردانی الذات در آخرالآخرین می‌باشد، بنابراین خدای تعالی پروردگار آسمان و زمین بوده و این خلیفه، آیینته‌ای است که در آن و با آن، صورت‌های همه‌ی اشیاء دیده می‌شود، بلکه با عین او به انوار عالم آسمان، و سپس به نور مسمی نظر می‌گردد، چنان که روایت شده: «من عرف نفسه فقد عرف ربه»، هرکس نفس خود را شناخت پروردگار خود می‌شناسد.

در این صفت با گوش قلبتان قرائت آیات خدا را بشنوید تا انوار معجزه‌ی رسول خدا ﷺ در باطن‌هایمان نمود دهد و پرهیزگاری خدا را پیشه کرده و با قلوب صاف و دیدگان جلا داده شده و آیینته‌ای پاکیزه در کدورات و پرده‌ها و حجاب‌ها، کلمه‌ی او را اطاعت کنید و حکمت او را بشنوید، و با نفوس ساینده از امراض نفسانی و گوش‌های بیدار و خالی از اقوال بدعت‌آمیز و گمراه کننده و منع کننده از پذیرش حق، کلام او را قبول نمائید؛ زیرا این بدعت‌ها به مانند ابرهائی بین صدق باطن و نور شمس حقیقت مانع می‌شود و از پذیرش حق منع می‌نماید.

بنابراین کسی که انوار کلام حق، به طبیعت او متسلط نشود، یا با خواطر و افکار خود به سمت او حرکت نکند، علت آن، فساد فطرت اصلی او، یا پرده شدن آن با پرده‌ی ظلمت و تاریکی و تراکم حجاب‌های مانع بین او و نور حق می‌باشد که به جهت قبول اقوال بدعت‌آمیز و گمراه کننده، یا تقلید اهل تعطیل و باطل برای او حاصل شده، چنان که خداوند فرمود: ﴿وَحِيلَ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ مَا يَشْتَهُونَ﴾، میان آن‌ها و آرزویشان مانع ایجاد شده است.

و نیز فرمود: ﴿وَجَعَلْنَا مِّنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ

۱- تحقیق حسن مصطفوی، «مصابح الشریعة»، ص ۴۱، ابن ابی الحدید در «شرح نهج البلاغة» خود در ج ۴، ص ۵۴۷ این حدیث را به علی علیه السلام نسبت داده است.

لَا يُبْصِرُونَ ﴿۱﴾، از پشت سر و جلوی رویشان سدّ و مانعی قرار دادیم و بر چشم عقلشان پرده افکندیم و آن‌ها بصیرت ندارند و راه حق را نمی‌بینند.

خداوند نهی از تقلید نموده و اهل آن را مذمت کرده و آنان را به سیر در نظر و معرفت امر نموده و با زجر، آنان را از تبعیت از پیشینیان و تقلید از گذشتگان ترسانیده و برحذر داشته، چنان که فرمود: ﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا وَجَدْنَا آبَاءَنَا أُولَئِكَ كَانَ الشَّيْطَانُ يَدْعُوهُمْ إِلَىٰ عَذَابِ السَّعِيرِ﴾ ۲، وقتی به آنان گفته می‌شود: بیایید و از کتابی پیروی کنید که خدا برای هدایت خلق فرستاده است، در جواب می‌گویند: ما نیز از طریق پدرانی که پدران خود را بر آن یافته‌ایم پیروی می‌کنیم، ای رسول! بگو: آیا هر چند پدرتان را شیطان به آتش دوزخ بخواند باز پیرو آن‌ها می‌شوید؟

بنابراین تأمل کن که خداوند تائید غیر را بدون استبصار و نظر و اعتبار، از بزرگ‌ترین گناهان قرار داد، به همین جهت برای کسی که می‌خواهد راه اهل حق و یقین را سلوک کند بعد از طهارت نفس خود از ردایل انسانی، چه راه غیر از اجتناب از مصاحبت با مطلقین گمراه ندارد؛ زیرا آن‌ها بر قلب‌ها و گوش‌ها دیدگان‌شان مهر خورده شده و نمی‌فهمند، هم‌چنین باید از مصاحبت با بدعت‌گذاران گمراه اجتناب نمایند؛ برای این که آن‌ها کسانی هستند، که وقتی رسولان‌شان با بیّنات و آیات روشن برایشان آمدند، به آن چه از علم نزدشان بود شاد گشتند و آن‌ها را استهزاء می‌کردند و وبال و کیفر این اعمال دامن‌گیر آنان شد، چنان که قرآن می‌فرماید: ﴿وَلَقَدْ اسْتَهْزَأُوا بِرُسُلٍ مِنْ قَبْلِكَ فَخَفَّوْا يَذِينَ سَخِرُوا مِنْهُمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ﴾ ۳، ای پیامبر! پیش از تو هم امت‌های گذشته پیامبران خود را استهزاء می‌کردند، پس وبال و کیفر اعمالشان دامن‌گیر آنان گشت.

خداوند ما و شما را از شر این دو طایفه حفظ کند و بین ما و آن‌ها به اندازه‌ی یک

چشم بر هم زدنی جمع ننماید؛ زیرا همه‌ی آن‌ها از اولیای شیطان رجیم و فرزندان تاریکی‌ها و اهل طاغوت می‌باشند، از آن‌ها به خدا پناه می‌بریم، همان‌طور که از شر شیطان به خدا پناه می‌بریم، و با نور فطرت از قلب سلیم، آثار آنان را طرد می‌نماییم، سپس در معانی کتاب کریم و احادیث نورانی اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام فرو می‌رویم تا از بحر علوم آن‌ها استفاده‌ی کافی و وافیه بنماییم، و بر اسرار کتاب کریم که حاوی هر معرفت جلیل و علم جسیم، از معانی الهی و معارف ربّانی و رموز نبوی و اشارات الهامی بوده احاطه یابیم، که با وقوف بر خزائن آن اسرار و اطلاع بر معادن جواهر به ودیعه گذاشته شده در قلوب بندگان خدا و اولیای ابرار و علمای اخیار او امکان بهره‌برداری و بجنب از آن‌ها به هنگام رفع پرده‌ها و کشف انوار وجود دارد، که خداوند به مقتضای حکمت کامل و قدرت بالغ خودش به ما لطف کرد و نسخه‌ی منتخب از آثار رحمت الهی، و اسرار کتب اعلیای ربّانی خود را به ما عطا نمود و سپس فرمود: ﴿وَفِي

أَنْفُسِكُمْ أَفَلَا تُبْصِرُونَ﴾، در انفس ما آیاتی وجود دارد آیا بصیرت نمی‌یابید؟

و ما را با قوّت اِکرامش تأیید نمود و بزرگواران را بزرگوارتر گردانید، و ما را با نور الهامش تیز گردانید و از بین ما، نفوس مقدّس را که همان نفوس انبیا و اولیا علیهم‌السلام باشد برانگیخت. رسیدن به مقام اولیا بدون تحصیل علوم حقیقی و مکاشفاتی اسرار الهی محال است، و هم بدون شک بالاترین علوم از جهت رتبه، و بلندترین تدریس آن‌ها از جهت درجه و منقبت، و عظیم‌ترین آن‌ها از حیث ثمره و غایت، معرفت حق تعالی، و معرفت عقول و ملائکه‌ی او، و کتاب‌ها و صحیفه‌های ملکوتی او، و رسولان را اولیا او، و معرفت روز آخرت و احوال قیامت و طبقات مردم در آن به حسب سعادت و شقاوت می‌باشد، و این معارف نزد اولیای شریعت به «ایمان»، نزد طایفه‌ای از ائمه‌ی علوم ربّانی به «حکمت الهی» نامیده می‌شود.

بنابراین خداوند اولین کسی است، که مکلفین از خلق خود را دعوت کرد و آن‌ها را به نظر و اعتباری خواند، که به توحید ذات و معرفت صفات او می‌رسد، و آیاتش با دلالت

واضح و روشن، و براهین آشکار بر وحدانیت او و تنزیه ذات و صفت و فعل او از مشابهت به خلق و صنعتش دلالت دارد.

در نتیجه ثابت گشت که معارف یقینی و علوم حکمی، اساس دین و رأس المال اهل یقینی است، که راه آن متحد بوده و سالک آن مؤمن است و ترک کننده‌ی آن راه، کافر می‌باشد و از شأن عاقل آن است، که برای نفس خود احتیاط کند و راهی را طلب نماید که در آن، نجات و رستگاری در آخرت با درجات عالی است؛ زیرا امور دنیا از بین رفتنی بوده و عذاب خداوند است و عظیم‌ترین عذاب در روز قیامت، محجوب بودن خداوند از او می‌باشد، همان که فرمود: ﴿كَلَّا إِنَّهُمْ عَنْ رَبِّهِمْ يَوْمَئِذٍ لَمَحْجُوبُونَ، ثُمَّ إِنَّهُمْ لَصَالُو الْجَحِيمِ﴾، چنان نیست که می‌پندارند بلکه آن‌ها از پروردگارشان محجوب و محروم هستند، سپس آنان را به آتش دوزخ درافکنند.

بدون شک قرآن عظیم الهی تأیید خلق و هدایت آن‌ها به راه مستقیم نازل شد؛ زیرا در آن برگزیده‌ی علم پیامبران، و غایب معارف اولیای و آخرین، و ثمره‌ی افکار و انظار حکمای سابقین و لاحقین است؛ زیرا سرسرای از سوره‌های آن، باب حکمت خدا است که مثل آن را چشم‌های آدمی ندیده و هر آیای از آیات آن، نوری است که با آن، راه حضرت رب‌العالمین روشن می‌شود.

برای ما به تأیید خدا و حسن توفیقش، نکات و دقایق لطیف ربّانی، و تحقیقات برای مطالب شریف قرآنی، و براهین برای مقاصد لطیف ایمانی، و مسائل برای حقایق مشکل عرفانی، و اشارات ربّانی و رموز نبوی آن جمع شده است، که دسترسی به آن‌ها فقط با مراجعه‌ی به ائمه‌ی معصومین که عدل قرآن و راسخون در علم و مسترین آن هستند، امکان‌پذیر می‌باشد؛ زیرا خلاصه‌ی کتاب‌های الهی که بر انبیاء و اولیای او افاضه شده، فرقانی است که از جانب خدا بر قلب خاتم انبیاء و اشرف اولیای او محمد مصطفی ﷺ نازل گشته و در آن، حکمت انبیاء و صدّیقین، و علم اولین و آخرین، و قواعد احکام سابقین و لاحقین است، و هیچ علم ربّانی و مسأله‌ی الهی و حکمت برهانی و معرفت کشفی نیست،

مگر این که اصل و فرع، مبدء و غایت، ثمره و لباب آن در قرآن یافت می شود، حتی در هر سوره‌ای از سوره‌های قرآن، غایت افکار حکمای اولین، و نهایت سرائر اولیای گذشته یافت می شود، و علم پیامبر ﷺ به اولاد مقدس و روحانی او ائمه‌ی معصومین ﷺ به ارث رسیده که دولت الهی و ملت توحیدی آن‌ها به حضرت مهدی ﷺ متصل است.

در احادیث اهل بیت ﷺ نیز حقایق ربانی قدسی وجود دارد، که معرفت آن‌ها غذای برای ارواح عالی عقلی است، و با وجود قصور و نقصان، فتنه و حسد، عدوان و طغیان در این زمان، نیاز به اتصال به اهل بیت عصمت و طهارت ﷺ و آموختن احادیث آن‌ها بیش از پیش احساس می شود تا راه کمال و وصول به معارف را بشناسیم، و در این جهت از خدای متعال استعانت جسته و به او پناه می بریم و به سید انبیا که برای او اکملیت در معنای نبوت است به سبب کواکب توسل می جوئیم، که نورش از أنوار کواکب قوی تر و شدیدتر می باشد؛ زیرا هر کواکب حسنی بوده و نور و إشراق خورشید شدیدتر از کواکب است، و توسل به ذلالت آن طایفه از ائمه‌ی معصومین ﷺ که وارثان علم الهی و راسخون در علم و راهنمایان بهی هستند در این جاذبه و طریق هدایت قدم گذاشته و با تمسک به أنوار آنان و احادیث نورانی ربّ رزق ایشان، موانع و پرده‌های ظلمانی را کنار زده و از طریق آنان که جوامع کلمات و حقایق بهی هستند به آن کلمات و حقایق، و معارف الهی دسترسی می یابیم، شاید با اتصال به آن اصول به حق تعالی برایمان هموار گردد. «انشاءالله»